«[چیزى‌] جز این نمى‌گوییم که بعضى از خدایان ما به تو آسیبى رسانده‌اند.» گفت: «من خدا را گواه مى‌گیرم، و شاهد باشید که من از آنچه جز او شریک وى مى‌گیرید بیزارم. (54) پس، همه شما در کار من نیرنگ کنید و مرا مهلت مدهید. (55) در حقیقت، من بر خدا، پروردگار خودم و پروردگار شما توکّل کردم. هیچ جنبنده‌اى نیست مگر اینکه او مهار هستى‌اش را در دست دارد. به راستى پروردگار من بر راه راست است. (56) پس اگر روى بگردانید، به یقین، آنچه را که به منظور آن به سوى شما فرستاده شده بودم به شما رسانیدم، و پروردگارم قومى جز شما را جانشین [شما] خواهد کرد. و به او هیچ زیانى نمى‌رسانید. در حقیقت، پروردگارم بر هر چیزى نگاهبان است. (57) و چون فرمان ما دررسید، هود و کسانى را که با او گرویده بودند، به رحمتى از جانب خود نجات بخشیدیم و آنان را از عذابى سخت رهانیدیم. (58) و این، [قوم‌] عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند، و فرستادگانش را نافرمانى نمودند، و به دنبال فرمانِ هر زورگوى ستیزه‌جوى رفتند. (59) و [سرانجام‌] در این دنیا و روز قیامت، لعنت بدرقه [راه‌] آنان گردید. آگاه باشید که عادیان به پروردگارشان کفر ورزیدند. هان، مرگ بر عادیان: قوم هود. (60) و به سوى [قوم‌] ثمود، برادرشان صالح را [فرستادیم‌]. گفت: «اى قوم من! خدا را بپرستید. براى شما هیچ معبودى جز او نیست. او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد. پس، از او آمرزش بخواهید، آنگاه به درگاه او توبه کنید، که پروردگارم نزدیک [و] اجابت‌کننده است.» (61) گفتند: «اى صالح، به راستى تو پیش از این، میان ما مایه امید بودى. آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان مى‌پرستیدند باز مى‌دارى؟ و بى‌گمان، ما از آنچه تو ما را بدان مى‌خوانى سخت دچار شکّیم.» (62)